

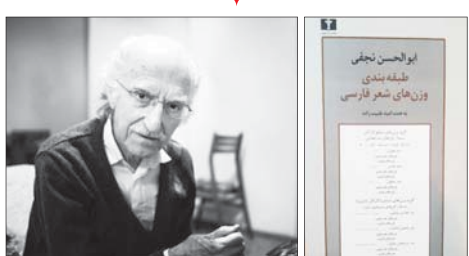
نگاه

## نامه‌های گشته‌استاد



امید طبیب‌زاده

**شرق**، ابوالحسن نجفی، ادیب و مترجم معاصر در سال‌های پایانی عصر تمام نموده خود را بر سر تحقیق روزی وزن شعر فارسی گذاشت. در این زمینه از این ادیب معاصر سه اثر با عناوین «در باره طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی» و «اختیارات شاعری و مقالات دیگر در سوز فارسی» و «وزن شعر فارسی» درآمد و چندی پیش «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی» تکمیل بحث طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی، کار کارستان ابوالحسن نجفی بود که با ناواری‌های بسیار همراه است و ازاین‌رو به‌خاطرمدان آن چه از او به‌جا مانده در قالب کتاب ایش است دشوار.بعد از درگذشت این ادیب، به‌خاطر نقش ایشان در ترجمه ادبیات مدرن و معاصر فرانسه و ترجمه آن ترجمه‌ها و حضور فرهنگی نجفی بر نویسندگان معاصرین،ادبیات هوشنگ گلشیری و بهرام صادقی و دیگر اعضای «حک اصفاهان»، جایزه‌ای برپا شد که نام ابوالحسن نجفی را از خود داشت. نجفی جدا از کارهایش در زمینه زبان‌شناسی و وزن شعر فارسی، مترجمی پیام بود چنان‌که تمام همسنگان او در دقت و دوازگونی بجای او در ترجمه سخن گفتند. سویمین دروازه و متعلق است. در سویمین سال‌های ادیب و مترجم برگزار شد. در میان سخنرانان مراسم، امید طبیب‌زاده سخنران درباره آخرین تبعات نجفی گفت که در حوزه وزن شعر فارسی که دو اثر اخیرش را خود او آماده انتشار کرده و جز این در سال ۹۰ نیز چمن‌نامه‌اش برای ابوالحسن نجفی به گوشش ادیب طبیب‌زاده رسیده‌اند. او علاوه‌روایتی از سیر انتشار دو اثر اخیر استاد در حوزه وزن فارسی، به‌دست‌نوشته‌ها و فیث‌هایی مربوط به برخی از آثار و اسناد ابوالحسن نجفی اشاره کرد که در همان روزهای نخست درگذشت ایشان مفقود شده و گفت که خبردار شده‌نامه‌ای از ایشان نیز در میان آثار کلمه است. من نیز خبرسته سخنان طبیب‌زاده درباره‌ی در حوزه دو کتاب «وزن شعر فارسی» و «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی است».



استاد ابوالحسن نجفی در اواخر دوران حیات خود یکی دیوار تصریح کرده بود که اگر نامی از وی در تاریخ پایانی باشد، به چیزی جز تحقیقاتی در حوزه وزن شعر مربوط نباشد. استاد در اوایل آذر ۱۳۹۴، چند ماه پیش از وفاتش در دوم بهمن‌ماه همان سال، از بنده خواست تا کار آدام‌سازی و نظارت بر انتشار دو اثر ایشان را به‌عهده بگیرم، و بنده هم که سال‌ها افتخار شاکردی او را داشتم با کمال میل بدفترم و کار آدام‌سازی این آثار را در همان زمان آغاز کردم. کتاب اول با عنوان «وزن شعر فارسی» (درس‌نامه) در پائیز سال ۱۳۹۵، حدود یک سال پس از وفات استاد منتشر شد. و کتاب دوم نیز با عنوان «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی» در پائیز اسامال (۱۳۹۷) انتشار یافت. البته مطالب کتاب نخست در زمان حیات خود استاد هم در قالب مقالات گوناگونی منتشر شده بود و خود استاد بود که این آثارش به‌خاطر نظریه بر طراز عظیمی بر مشاهدات علوم ادبی فارسی در حوزه وزن شعر داشته چگونه مفهوم مجهول و معلول و مخدوش زحاف را در امر تقطیع اشعار فارسی از میان برداشته بود. اما کتاب دوم، که جامعه فرهنگی ما پیش از چهل سال بی‌درمان انتظار انتشار آن را می‌کشید، برای نخستین‌بار اسمال منتشر شد و در صحنه که استاد خود شاهد انتشار این اثر شگرف نبود. پیشرفت‌های علمی معمولاً از طریق تقلید یا شرح با سبب و اثبات و یاد و بار، از آفرین حاصل می‌شود. و بسیار به ندرت اتفاق می‌افتد که دانشمندی بتواند طی انقلابی علمی، کلیت علم قدیم را در چند دهه اعلام کند و سپس خود جدید را در مسیر خود آثار آغاز کند و و باید گفت که ابوالحسن نجفی از معدود دانشمندانی است که به چنین موفقیتی طبعی نائل آمد. او با یک تکمیل بخش طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی به موفقیتی در مشاهدات علوم ادبی فارسی در حوزه وزن شعر داشته چگونه مفهوم مجهول و معلول و مخدوش زحاف را در امر تقطیع اشعار فارسی از میان برداشته بود. اما کتاب دوم، که جامعه فرهنگی ما پیش از چهل سال بی‌درمان انتظار انتشار آن را می‌کشید، برای نخستین‌بار اسمال منتشر شد و در صحنه که استاد خود شاهد انتشار این اثر شگرف نبود.

پیشرفت‌های علمی معمولاً از طریق تقلید یا شرح با سبب و اثبات و یاد و بار، از آفرین حاصل می‌شود. و بسیار به ندرت اتفاق می‌افتد که دانشمندی بتواند طی انقلابی علمی، کلیت علم قدیم را در چند دهه اعلام کند و سپس خود جدید را در مسیر خود آثار آغاز کند و و باید گفت که ابوالحسن نجفی از معدود دانشمندانی است که به چنین موفقیتی طبعی نائل آمد. او با یک تکمیل بخش طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی به موفقیتی در مشاهدات علوم ادبی فارسی در حوزه وزن شعر داشته چگونه مفهوم مجهول و معلول و مخدوش زحاف را در امر تقطیع اشعار فارسی از میان برداشته بود. اما کتاب دوم، که جامعه فرهنگی ما پیش از چهل سال بی‌درمان انتظار انتشار آن را می‌کشید، برای نخستین‌بار اسمال منتشر شد و در صحنه که استاد خود شاهد انتشار این اثر شگرف نبود.

کاملاً مستقل از عروض عرب و مصطلحات پیچیده آن عرضه داشته است. بی‌گمان این انتشار این اثر در حوزه جدید در مطالعات عروضی با آغاز می‌شود و نیز نخواهد گذشت که این اثر به «المعجم المفسر فی سبب قریزی و روش‌های مشاهده اقنونی و اثر سبب طوسی» که قلم‌برگستار ادیبان مباحث مربوط به طبقه‌بندی وزن‌های عروضی خود در دانشگاه‌های ما بودند، از حوزه علم به حوزه تاریخ علم خواهد پیوست.

به اختصار نکاتی را نیز در این مقاله ارائه می‌دهم:
«کشفته اینده‌ای می‌دارم. بعد از انتشار کتاب «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی».

پند بایدداشت توانگاهی در روزنامه مشرق، «تکریم کردم و در آن به مفقودشدن دست‌نوشته‌های استاد اشاره کردم. بعد از این یادداشت آوردم که کتاب «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی» را بر اساس کپی دست‌نوشته‌های اصلی استاد، تصحیح و آماده انتشار کرده‌ام. این انتشاری دست‌نوشته‌های اصلی است. اندکی پس از وفات نشان به سرتف

رفته است. این عرض من‌کم ظاهر علماورن در دست‌نوشته‌ها،

مؤارد دیگری نیز از آثار و اسناد نامه‌های است که شنیده است.

با دانستن یک یا آن آثار و اسناد و نامه‌ها می‌تواند متعلق به جامعه فرهنگی ایران است و بنده ایدوارم با بیکری تمام استمرار افراد

فزیرت و مسئول و البته جامعه فرهنگی ایران، این اسنادی هرچه

زیمنه‌ای باشد و مانند دست‌نوشته‌های مرحوم استاد انتشار

پای حفظ نگه‌داری به مرکزی فرهنگی در ایران خواهد شد.

شوند، با دست‌کم هم‌چون دست‌نوشته‌های مرحوم هوشنگ

گلشیری به مرکزی فرهنگی در خارج از ایران برده شوند.

۱. آید، دست‌نوشته‌های منورن، بعد توضیح درباره دست‌نوشته‌های

«طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی، روزنامه مشرق، پنجم آذر ۱۳۹۷

## انقلاب در «سپیده‌دم ایرانی» امیرحسین چهل تن

## چقدر همه چیز تغییر کرده است



علی شروقی

تصور می‌کند که ادبیات از واقعه‌ای تاریخی به دست می‌دهد بنده به فاصله زمانی اثر ادبی از آن واقعه، فاصله است. از فاصله نزدیک معمولاً همان چهره‌ای روایت می‌شود که در وهله اول به چشم همه می‌آید. در روایتی از این دست چه بسا چهره‌ای جا نماند، دیده نشود یا روای آن‌ها را بی‌اهمیت تلقی کند و بی‌اعتنا از کنارشان عبور کند. فاصله دور اما همین جاننده‌ها، همین روایتگرها می‌باشند. متناقض می‌نمایند اما این فاصله دور فرد را در میان جمع می‌توان تشخیص داد، با تفاوت‌هایش از دیگران. گریستن به وقایع از فاصله نزدیک بیشتر به کار گزارش می‌آید، اگرچه آن چه از فاصله نزدیک گزارش می‌شود به‌خاطر بخشی از مواد همان‌روایتس را هم تشکیل خواهد داد، اما نه تمام آن را. از واقعه بازگویی که از فاصله فاصله می‌گیرد تا نه فقط جاننده‌ها را که آن چه را به پیش از این نقل شده این‌بار چهر دیگر بیند و روایت کند. این فاصله لازم است برای تبدیل شدن رویداد واقعی به یک روایت ادبی و برای آنکه رویداد واقعی به عناصر زیبایی‌شناختی متناسب با خود ترجمه شود و در فرایند این ترجمه لگنته‌هایی را در فاصله بازگویی که از فاصله نزدیک به چشم نیفتد.

نگافته‌هایی مستلزم دیدن جزئیات، مستلزم به دست دادن نمای ریزش است و چهره‌ها و مکان‌ها و وقایع تا ریزشین خطوط رز می‌شوند. البته این نمای ریزش تا طرزی متناقض‌مناسبت مستلزم فاصله افتاده است و ایرج حاد با گذشته‌ای بی‌نقاب بدون رویتش، مواجه است. اما زمان تنها انسان این نیست؛ انسان حس است. هم حس است که تمام این سال‌ها دور از او در آن‌ها زندگی کرده، هم حس است. همچنین یک شخصیت‌هایی فری‌تری که به نخوی با او شخصیت اصلی داستان مرتبط‌شوند. نگرانه در لحظه انقلابی گسترده و چندوجهی می‌شود تا فقط یک جنبه را ببیند و روایت نکند.

در چنین نگرانه گسترده و چندوجهی حتی آن «آقای بلاکلیک» هم که لحظاتی در زمان آشکار و پدید می‌شود اهمیت می‌یابد. اما به نظر می‌رسد که در این نگرانه، حس و حشود روا داشته شده به اصلا چه بسا این شخصیت جاسه‌ای در زمان اهمیت چندندان داشته باشد چراکه او روایتش محدود به مشاهدات و تاملات است.

و شاید تصادفی نباشد این‌که نام با لیخن همه مرید بلاکلیک به پایان می‌رسد. ایرج این مرد را اولین بار لحظه‌ای در هتلی که پس از بازگشت به ایران در آن مقیم شده است می‌بیند. مردی ترس‌خورده و مضطرب و زوئیده و مطمئن که مسئول هتل استش را «آقای بلاکلیک» تعریف کرده است و درباره او حدس‌هایی می‌زند.

زمانی که نگرانه طرزی یک عصر را روایت می‌کند همان‌ها که به روایتگر دیگر می‌بازند است که طی این تحولات تاریخی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و

... به مرکز صحنه می‌آیند، رولاکتر دهاجلی‌به نام باید باشد که در جریان چنین تحولاتی به حاشیه می‌روند، از فاصله‌ای نامی نزدیک به یک دهه می‌پرسد. به آن‌ها کمک‌تنم این جماعت معمولاً به فراغش می‌شوند یا تصویر می‌قایی از آن‌ها به‌دست داده می‌شود.

تصور می‌کند که همه در آن زمان خاص

تقریباً درساوار متفق‌القول‌اند. با

نگان از فاصله دور اما این‌بار چهر دیگر

می‌شوند.
«میدانم ایران» در لحظه انقلاب به زمان‌های دیگر گریز می‌زند، بین اکنون و گذشته ایرج فضایی است. این جزو وارد، از طرفی خود آن گذشته نبود و این فضای خالی است. اکنون به پیش از خود تقسیم کرد. این لحظه تاریخی خالی فرا رسیده است. فضای خالی فرا رسیده است. لحظه انقلابی استن پرسش‌هایی است که چه بسا پیش از این مطرح نبوده‌اند. این لحظه نیست به این پرسش‌ها یا سنجی کوهی که در آن پرسش‌ها یا حامل یک خودکاه‌گی، یک گاهی جدید، برای شخصیت‌های زمان‌دار. ایرج بیرنگ حدود ۳۰ سال است که پیش از ایران تفته است. حالا که بازگشت به این ۳۰ سال گذشته یک کار لاچود دارد. کیوی زمان می‌رود و در همان ۳۰ سال نیست. شهوری که کوهش و توانایی ایرج در آن گذشت، اکنون، در لحظه انقلاب، به‌سخت برایش بیگانه است. لحظه انقلاب البته لحظه نامزمانی‌ها است. هر چه هست، این نامزمانی در شیوه روایتش در وقت و بر پشت‌نوشته‌های آن نمود یافته است. او دسترس و آیرین شده می‌یاد به این‌که او در اردوگاهی در سبزی زندگی بوده است.

ایران همان‌ها است و این سرما بر مشاهدات اقنونی و اثر سبب طوسی» که قلم‌برگستار ادیبان مباحث مربوط به طبقه‌بندی وزن‌های عروضی خود در دانشگاه‌های ما بودند، از حوزه علم به حوزه تاریخ علم خواهد پیوست.

به اختصار نکاتی را نیز در این مقاله ارائه می‌دهم:
«کشفته اینده‌ای می‌دارم. بعد از انتشار کتاب «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی».

پند بایدداشت توانگاهی در روزنامه مشرق، «تکریم کردم و در آن به مفقودشدن دست‌نوشته‌های استاد اشاره کردم. بعد از این یادداشت آوردم که کتاب «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی» را بر اساس کپی

دست‌نوشته‌های اصلی استاد، تصحیح و آماده انتشار کرده‌ام. این انتشاری دست‌نوشته‌های اصلی است. اندکی پس از وفات نشان به سرتف

رفته است. این عرض من‌کم ظاهر علماورن در دست‌نوشته‌ها،

مؤارد دیگری نیز از آثار و اسناد نامه‌های است که شنیده است.

با دانستن یک یا آن آثار و اسناد و نامه‌ها می‌تواند متعلق به جامعه فرهنگی ایران است و بنده ایدوارم با بیکری تمام استمرار افراد

فزیرت و مسئول و البته جامعه فرهنگی ایران، این اسنادی هرچه

زیمنه‌ای باشد و مانند دست‌نوشته‌های مرحوم استاد انتشار

پای حفظ نگه‌داری به مرکزی فرهنگی در ایران خواهد شد.

شوند، با دست‌کم هم‌چون دست‌نوشته‌های مرحوم هوشنگ

گلشیری به مرکزی فرهنگی در خارج از ایران برده شوند.

۱. آید، دست‌نوشته‌های منورن، بعد توضیح درباره دست‌نوشته‌های

«طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی، روزنامه مشرق، پنجم آذر ۱۳۹۷

به اختصار نکاتی را نیز در این مقاله ارائه می‌دهم:
«کشفته اینده‌ای می‌دارم. بعد از انتشار کتاب «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی».

پند بایدداشت توانگاهی در روزنامه مشرق، «تکریم کردم و در آن به مفقودشدن دست‌نوشته‌های استاد اشاره کردم. بعد از این یادداشت آوردم که کتاب «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی» را بر اساس کپی

دست‌نوشته‌های اصلی استاد، تصحیح و آماده انتشار کرده‌ام. این انتشاری دست‌نوشته‌های اصلی است. اندکی پس از وفات نشان به سرتف

رفته است. این عرض من‌کم ظاهر علماورن در دست‌نوشته‌ها،

مؤارد دیگری نیز از آثار و اسناد نامه‌های است که شنیده است.

با دانستن یک یا آن آثار و اسناد و نامه‌ها می‌تواند متعلق به جامعه فرهنگی ایران است و بنده ایدوارم با بیکری تمام استمرار افراد

فزیرت و مسئول و البته جامعه فرهنگی ایران، این اسنادی هرچه

زیمنه‌ای باشد و مانند دست‌نوشته‌های مرحوم استاد انتشار

پای حفظ نگه‌داری به مرکزی فرهنگی در ایران خواهد شد.

شوند، با دست‌کم هم‌چون دست‌نوشته‌های مرحوم هوشنگ

گلشیری به مرکزی فرهنگی در خارج از ایران برده شوند.

۱. آید، دست‌نوشته‌های منورن، بعد توضیح درباره دست‌نوشته‌های

«طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی، روزنامه مشرق، پنجم آذر ۱۳۹۷

به اختصار نکاتی را نیز در این مقاله ارائه می‌دهم:
«کشفته اینده‌ای می‌دارم. بعد از انتشار کتاب «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی».

پند بایدداشت توانگاهی در روزنامه مشرق، «تکریم کردم و در آن به مفقودشدن دست‌نوشته‌های استاد اشاره کردم. بعد از این یادداشت آوردم که کتاب «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی» را بر اساس کپی

دست‌نوشته‌های اصلی استاد، تصحیح و آماده انتشار کرده‌ام. این انتشاری دست‌نوشته‌های اصلی است. اندکی پس از وفات نشان به سرتف

رفته است. این عرض من‌کم ظاهر علماورن در دست‌نوشته‌ها،

مؤارد دیگری نیز از آثار و اسناد نامه‌های است که شنیده است.

با دانستن یک یا آن آثار و اسناد و نامه‌ها می‌تواند متعلق به جامعه فرهنگی ایران است و بنده ایدوارم با بیکری تمام استمرار افراد

فزیرت و مسئول و البته جامعه فرهنگی ایران، این اسنادی هرچه

زیمنه‌ای باشد و مانند دست‌نوشته‌های مرحوم استاد انتشار

پای حفظ نگه‌داری به مرکزی فرهنگی در ایران خواهد شد.

شوند، با دست‌کم هم‌چون دست‌نوشته‌های مرحوم هوشنگ

گلشیری به مرکزی فرهنگی در خارج از ایران برده شوند.

۱. آید، دست‌نوشته‌های منورن، بعد توضیح درباره دست‌نوشته‌های

«طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی، روزنامه مشرق، پنجم آذر ۱۳۹۷

به اختصار نکاتی را نیز در این مقاله ارائه می‌دهم:
«کشفته اینده‌ای می‌دارم. بعد از انتشار کتاب «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی».

پند بایدداشت توانگاهی در روزنامه مشرق، «تکریم کردم و در آن به مفقودشدن دست‌نوشته‌های استاد اشاره کردم. بعد از این یادداشت آوردم که کتاب «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی» را بر اساس کپی

دست‌نوشته‌های اصلی استاد، تصحیح و آماده انتشار کرده‌ام. این انتشاری دست‌نوشته‌های اصلی است. اندکی پس از وفات نشان به سرتف

رفته است. این عرض من‌کم ظاهر علماورن در دست‌نوشته‌ها،

مؤارد دیگری نیز از آثار و اسناد نامه‌های است که شنیده است.

با دانستن یک یا آن آثار و اسناد و نامه‌ها می‌تواند متعلق به جامعه فرهنگی ایران است و بنده ایدوارم با بیکری تمام استمرار افراد

فزیرت و مسئول و البته جامعه فرهنگی ایران، این اسنادی هرچه

زیمنه‌ای باشد و مانند دست‌نوشته‌های مرحوم استاد انتشار

پای حفظ نگه‌داری به مرکزی فرهنگی در ایران خواهد شد.

شوند، با دست‌کم هم‌چون دست‌نوشته‌های مرحوم هوشنگ

گلشیری به مرکزی فرهنگی در خارج از ایران برده شوند.

۱. آید، دست‌نوشته‌های منورن، بعد توضیح درباره دست‌نوشته‌های

«طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی، روزنامه مشرق، پنجم آذر ۱۳۹۷

به اختصار نکاتی را نیز در این مقاله ارائه می‌دهم:
«کشفته اینده‌ای می‌دارم. بعد از انتشار کتاب «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی».

پند بایدداشت توانگاهی در روزنامه مشرق، «تکریم کردم و در آن به مفقودشدن دست‌نوشته‌های استاد اشاره کردم. بعد از این یادداشت آوردم که کتاب «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی» را بر اساس کپی

دست‌نوشته‌های اصلی استاد، تصحیح و آماده انتشار کرده‌ام. این انتشاری دست‌نوشته‌های اصلی است. اندکی پس از وفات نشان به سرتف

رفته است. این عرض من‌کم ظاهر علماورن در دست‌نوشته‌ها،

مؤارد دیگری نیز از آثار و اسناد نامه‌های است که شنیده است.

با دانستن یک یا آن آثار و اسناد و نامه‌ها می‌تواند متعلق به جامعه فرهنگی ایران است و بنده ایدوارم با بیکری تمام استمرار افراد

فزیرت و مسئول و البته جامعه فرهنگی ایران، این اسنادی هرچه

زیمنه‌ای باشد و مانند دست‌نوشته‌های مرحوم استاد انتشار

پای حفظ نگه‌داری به مرکزی فرهنگی در ایران خواهد شد.

شوند، با دست‌کم هم‌چون دست‌نوشته‌های مرحوم هوشنگ

گلشیری به مرکزی فرهنگی در خارج از ایران برده شوند.

۱. آید، دست‌نوشته‌های منورن، بعد توضیح درباره دست‌نوشته‌های

«طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی، روزنامه مشرق، پنجم آذر ۱۳۹۷

به اختصار نکاتی را نیز در این مقاله ارائه می‌دهم:
«کشفته اینده‌ای می‌دارم. بعد از انتشار کتاب «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی».

پند بایدداشت توانگاهی در روزنامه مشرق، «تکریم کردم و در آن به مفقودشدن دست‌نوشته‌های استاد اشاره کردم. بعد از این یادداشت آوردم که کتاب «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی» را بر اساس کپی

دست‌نوشته‌های اصلی استاد، تصحیح و آماده انتشار کرده‌ام. این انتشاری دست‌نوشته‌های اصلی است. اندکی پس از وفات نشان به سرتف

رفته است. این عرض من‌کم ظاهر علماورن در دست‌نوشته‌ها،

مؤارد دیگری نیز از آثار و اسناد نامه‌های است که شنیده است.

با دانستن یک یا آن آثار و اسناد و نامه‌ها می‌تواند متعلق به جامعه فرهنگی ایران است و بنده ایدوارم با بیکری تمام استمرار افراد

فزیرت و مسئول و البته جامعه فرهنگی ایران، این اسنادی هرچه

زیمنه‌ای باشد و مانند دست‌نوشته‌های مرحوم استاد انتشار

پای حفظ نگه‌داری به مرکزی فرهنگی در ایران خواهد شد.

شوند، با دست‌کم هم‌چون دست‌نوشته‌های مرحوم هوشنگ

گلشیری به مرکزی فرهنگی در خارج از ایران برده شوند.

۱. آید، دست‌نوشته‌های منورن، بعد توضیح درباره دست‌نوشته‌های

«طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی، روزنامه مشرق، پنجم آذر ۱۳۹۷

به اختصار نکاتی را نیز در این مقاله ارائه می‌دهم:
«کشفته اینده‌ای می‌دارم. بعد از انتشار کتاب «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی».

پند بایدداشت توانگاهی در روزنامه مشرق، «تکریم کردم و در آن به مفقودشدن دست‌نوشته‌های استاد اشاره کردم. بعد از این یادداشت آوردم که کتاب «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی» را بر اساس کپی

دست‌نوشته‌های اصلی استاد، تصحیح و آماده انتشار کرده‌ام. این انتشاری دست‌نوشته‌های اصلی است. اندکی پس از وفات نشان به سرتف

رفته است. این عرض من‌کم ظاهر علماورن در دست‌نوشته‌ها،

مؤارد دیگری نیز از آثار و اسناد نامه‌های است که شنیده است.

با دانستن یک یا آن آثار و اسناد و نامه‌ها می‌تواند متعلق به جامعه فرهنگی ایران است و بنده ایدوارم با بیکری تمام استمرار افراد

فزیرت و مسئول و البته جامعه فرهنگی ایران، این اسنادی هرچه

زیمنه‌ای باشد و مانند دست‌نوشته‌های مرحوم استاد انتشار

پای حفظ نگه‌داری به مرکزی فرهنگی در ایران خواهد شد.

شوند، با دست‌کم هم‌چون دست‌نوشته‌های مرحوم هوشنگ

گلشیری به مرکزی فرهنگی در خارج از ایران برده شوند.

۱. آید، دست‌نوشته‌های منورن، بعد توضیح درباره دست‌نوشته‌های

«طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی، روزنامه مشرق، پنجم آذر ۱۳۹۷

به اختصار نکاتی را نیز در این مقاله ارائه می‌دهم:
«کشفته اینده‌ای می‌دارم. بعد از انتشار کتاب «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی».

پند بایدداشت توانگاهی در روزنامه مشرق، «تکریم کردم و در آن به مفقودشدن دست‌نوشته‌های استاد اشاره کردم. بعد از این یادداشت آوردم که کتاب «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی» را بر اساس کپی

دست‌نوشته‌های اصلی استاد، تصحیح و آماده انتشار کرده‌ام. این انتشاری دست‌نوشته‌های اصلی است. اندکی پس از وفات نشان به سرتف

رفته است. این عرض من‌کم ظاهر علماورن در دست‌نوشته‌ها،

مؤارد دیگری نیز از آثار و اسناد نامه‌های است که شنیده است.

با دانستن یک یا آن آثار و اسناد و نامه‌ها می‌تواند متعلق به جامعه فرهنگی ایران است و بنده ایدوارم با بیکری تمام استمرار افراد

فزیرت و مسئول و البته جامعه فرهنگی ایران، این اسنادی هرچه

زیمنه‌ای باشد و مانند دست‌نوشته‌های مرحوم استاد انتشار

پای حفظ نگه‌داری به مرکزی فرهنگی در ایران خواهد شد.

شوند، با دست‌کم هم‌چون دست‌نوشته‌های مرحوم هوشنگ

گلشیری به مرکزی فرهنگی در خارج از ایران برده شوند.

۱. آید، دست‌نوشته‌های منورن، بعد توضیح درباره دست‌نوشته‌های

«طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی، روزنامه مشرق، پنجم آذر ۱۳۹۷

به اختصار نکاتی را نیز در این مقاله ارائه می‌دهم:
«کشفته اینده‌ای می‌دارم. بعد از انتشار کتاب «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی».

پند بایدداشت توانگاهی در روزنامه مشرق، «تکریم کردم و در آن به مفقودشدن دست‌نوشته‌های استاد اشاره کردم. بعد از این یادداشت آوردم که کتاب «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی» را بر اساس کپی

دست‌نوشته‌های اصلی استاد، تصحیح و آماده انتشار کرده‌ام. این انتشاری دست‌نوشته‌های اصلی است. اندکی پس از وفات نشان به سرتف

رفته است. این عرض من‌کم ظاهر علماورن در دست‌نوشته‌ها،

مؤارد دیگری نیز از آثار و اسناد نامه‌های است که شنیده است.

با دانستن یک یا آن آثار و اسناد و نامه‌ها می‌تواند متعلق به جامعه فرهنگی ایران است و بنده ایدوارم با بیکری تمام استمرار افراد

فزیرت و مسئول و البته جامعه فرهنگی ایران، این اسنادی هرچه

زیمنه‌ای باشد و مانند دست‌نوشته‌های مرحوم استاد انتشار

پای حفظ نگه‌داری به مرکزی فرهنگی در ایران خواهد شد.

شوند، با دست‌کم هم‌چون دست‌نوشته‌های مرحوم هوشنگ

گلشیری به مرکزی فرهنگی در خارج از ایران برده شوند.